

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴

## تنزل رژیم غذایی و سقوط دودمانی در امپراطوری مغول<sup>۱</sup>

جان ماسون اسمیت

ترجمه سجاد کاظمی<sup>۲</sup> و زهرا بربریس<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹

### چکیده

عادات و رژیم غذایی مغولان در دوره پیش از امپراطوری و دوره امپراطوری، دارای تفاوت‌های عمده‌ای بود، رژیم غذایی پیش از امپراطوری، ساده، محدود و دارای کالری کافی بود و مهم‌تر اینکه دسترسی محدودی به نوشیدنی‌های الکلی داشتند، اما در دوره امپراطوری؛ فراوانی و تنوع ویژه‌ای در رژیم غذایی مغولان پدید آمد، به طوری که تنوع در نوشیدنی‌های الکلی بخش عمده‌ای از رژیم غذایی مغولان را تشکیل می‌داد. تنزل رژیم غذایی و تأثیر آن بر سقوط دودمانی فرمانروایی مغولان هدف این مقاله است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوره پس از تشکیل امپراطوری، اخلاف چنگیز خان اعتیاد شدیدی به میگساری پیدا کردند، به طوری که تأثیر عمده‌ای در جنین و کاهش باروری در مردان به دنبال داشت و میانگین طول عمر فرمانروایان مغولی را به طور بی‌سابقه‌ای کاهش داد و در نتیجه حکومت آنان را سریع‌تر به ورطه سقوط کشاند.

واژگان کلیدی: مغولان، رژیم غذایی، شیر، قُمیس، شراب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله ترجمه ایست از:

John. Masson. Smith, "Dietary Decadence and Dynastic Decline in the Mongol Empire", *Journal of Asian History*, vol. 34, no. 1, 2000.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز sajad.kazemi1984@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز zahraberisam1989@gmail.com

اکثر فرمانروایان مغول برای مدت کوتاهی زندگی کردند. آن‌هایی که در خاورمیانه درگذشتند متوسط عمرشان ۳۸ سال بود. متوسط عمر جانشینان قوییلای در خاور دور نیز در حدود ۳۳ سال بود (ضمن اینکه خود قوییلای ۷۸ سال عمر کرد؛ چنگیز خان ۶۰ سال و مابقی کمتر از ۵۰ سال). مقایسه سلسله‌های مغول و منچو (مینگ) اهمیت عمر طولانی را نشان می‌دهد. در هر یک از قلمروهای مغولی چین، خاورمیانه و اردوی زرین متوسط فرمانروایی ۱۱ خان مغولی در حدود یک قرن (۱۰۷ سال) بود: در چین، قوییلای و ۹ تن از جانشینانش ۱۱۰ سال (۱۳۷۰-۱۲۶۰ م) حکومت کردند؛ ۱۲ خان اردوی زرین ۱۳۲ سال (۱۳۵۹-۱۲۲۷) حکومت نمودند؛ و ۹ خان مغولی برای ۸۰ سال (۱۳۳۵-۱۲۵۵) خاورمیانه را در دست داشتند. ۹ تن از خوانین منچو نیز با متوسط ۲۹ سال سلطنت بیش از دو قرن و نیم (۱۹۰۸-۱۶۴۴) در چین حکومت نمودند.

سلسله مغولی خاورمیانه با دو مسئله مرگ‌ومیر بالای کودکان و نازایی دست‌به‌گریبان بود. آن لمبتن اشاره می‌کند: «مغولان با آن شرایطی که در ایران مقیم شدند، هرگز امکان تربیت درست کودکان خود را به دست نیاوردند».<sup>۱</sup> اما من معتقدم مشکلات مغولان در این زمینه ناشی از رژیم غذایی ناکافی و نامناسب بود.

رژیم غذایی مغولان پیش از امپراطوری، ساده، دارای کالری کافی - و به میزان کمی بود. پس از آن مثل زمان حال (یا تا اخیراً) به‌طور متوسط خانواده مغولی صاحب یک گله‌ای شامل گوسفندان زیاد، با تعدادی بز و تعداد کمی گاو و شتر بودند.<sup>۲</sup> باوجوداین، خانواده‌ها اسب‌های بیشتری (اسب‌های اخته، در حقیقت) برای حفظ یک توانایی نظامی نگه می‌داشتند. یک خانواده برای امرار و معاش خود به‌قدر کفایت به صد رأس گوسفند یا معادل آن نیاز داشت. برای نقش نظامی اش دست‌کم پنج اسب (اخته)، علاوه بر این، شاید سه اسب دیگر و چند تا شتر و گاو نر برای حمل و نقل و یک یا دو مادبان برای شیر

1. Lambton, *Continuity and Change in Medieval Persia*, 296.

2. Krder, "Ecology of Central Asian Pastoralism", 301-326.

در صفحه ۳۰۹ نمای جمعیت حیوانات اهلی مغولستان (بیرونی) چنین ترسیم شده است: ۵۵. گوسفند، ۲۲. بز، ۹. گاو، ۱۰. اسب، و ۴. شتر (درصدها را من گرد آوردم). ده رأس گوسفند را می‌توان معادل یک شتر دانست و یک اسب یا گاو معادل پنج گوسفند یا بز است. میانگین رمه در منبع زیر آمده است.

Vreeland, *Mongol Community and Kinship Structure*, 31- 32.

جماعت معبد ناروبانچین ۱۹۳ رأس گوسفند داشت. در حدود نیمی از خانواده‌ها بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ گوسفند داشتند؛ اکثر خانواده‌ها به نسبت تعدادی گاو و اسب نیز داشتند.

مفید خواهد بود. مغولان مثل سایر چادرنشینان آسیای میانه بیشتر غذایشان را از این حیوانات به دست می‌آوردند.<sup>۱</sup> جان پلانو کارپینی که در سال ۱۲۴۰ م نزد مغولان به سر می‌برد، می‌گوید: «(مغولان) نه نان نه گیاه نه سبزیجات و نه هیچ چیز دیگری جزء گوشت نداشتند... آنان شیر مادیان را در مقدار بسیار زیادی می‌نوشیدند، در صورتی که داشته باشند؛ همچنین شیر گوسفندان، گاوها، بزها و حتی شتران را می‌نوشیدند».<sup>۲</sup> هرچند بسیاری از چادرنشینان محصولات حیوانی شامل مواد غذایی را به جای کالاهای با افراد ساکن شده مغولستان بیرونی مبادله می‌کردند، جایی که مغولان تحت سلطه چنگیز خان جلو زدند و در یک مسیر طولانی از نزدیک‌ترین مزارع مهم بودند (و هنوز هم هستند)، برای آن‌ها مواد غذایی وارداتی پرخرج بود و برای خانواده متوسط بدون تردید کالاهای تجملی کمیاب بود.<sup>۳</sup>

غذاهای گوشتی مغولان بیشتر گوشت گوسفند و بره بود، اما آن‌طور که گفته می‌شود، گوشت موردعلاقه آنان گوشت اسب بود. هرچند گوشت اسب را ترجیح می‌دادند، اما یک خانواده متوسط به‌ندرت می‌توانست از آن بهره‌مند باشد.

یکی دیگر از غذاهای عمده مغولان، شیر بود (در انواع مختلف به‌عمل‌آمده) که بیشتر از گوسفند به دست می‌آمد، هرچند علاقه بیشتری به شیر مادیان داشتند. وفور رمه گوسفند و اهمیت گوشت و شیر آن در رژیم غذایی و میل شدیدی به گوشت اسب داشتند که ارزش کالری خیلی زیادی از این غذاها به دست می‌آمد. زندگی سخت - چادرنشینانی در مغولستان برای متخصصان یک مسئله بااهمیت است. گوشت گاو - بخش عمده گوشت ما - ۱,۰۷۳ کیلوکالری (کیلوکالری همان مقدار «کالری‌هایی» که ما هنگام رژیم غذایی در نظر می‌گیریم) در هر پوند وزنی<sup>۴</sup> دارد؛ گوشت گوسفند ۱,۸۳۴ و گوشت اسب نیز ۱,۸۵۵ کیلوکالری دارد. و همچنین کل شیر گاو در حدود ۴۰۰ کیلوکالری و شیر گوسفندان ۵۱۱

1. Buell, "Mongol Empire and Turkicization: The Evidence of Food and Food ways, in *The Mongol Empire and Its Legacy*", 200- 223.

صفحات ۲۰۸-۲۰۶ مقاله فوق حیوانات شکاری و خوارکی های گیاهی را به عنوان غذاهای اضافی مهم مورد بررسی قرار داده است. من تردید دارم که این منابع غذایی در اندازه وسیعی مورد استفاده بود، چنانچه مورد مارموت ها (موش خرماي کوهي) را به لحاظ کمی در مقاله زیر مورد بررسی قرار دادم:

"Mongol Campaign Rations: Milk, Marmots, and Blood?" in *Turks, Hungarians and Kipchaks: A Festschrift in Honor of Tibor Ha Iasi- Kun*, 223- 228.

2. Carpini, "History of the Mongol", in *the Mongol Mission*, ed. Christopher Dawson, 16-17.

3. Carpini, 17 مگر اینکه از سایر ملت‌ها به آن‌ها داده یا فرستاده می‌شد: «(مغولان) شراب، آجیو و یا نوشابه الکلی نداشتند 17

۴. هر پوند وزنی (Ib) معادل ۴۵۳/۵۹ گرم است. م

کیلوکالری فراهم می‌کنند.<sup>۱</sup> به نسبت پوند به پوند و پاینت به پاینت<sup>۲</sup> بهترین بازده کالری را گوسفندان و اسب‌ها به دست می‌دادند.

چربی که به نسبت این کالری‌ها به دست می‌آمد عبارت است از: ۸۹٪ کالری گوشت گوسفند ۴۰٪ چربی و ۶۷٪ شیرشان ۷۰٪ چربی فراهم می‌کرد. یک غذای کم‌چرب که قابل دسترس بود. از آنجا که شیر به دست آمده از حیوانات تنها برای ۵ ماه در سال بود (در مقایسه شیر گاو تا ۱۱-۱۰ ماه) مغولان مجبور بودند شیر را به فراورده‌هایی تبدیل کنند که به خوبی در طول ۷ ماه «خشکی» نگه‌داشته می‌شد. آن‌ها شیر گاو را به شیر خامه خشک درمی‌آوردند که تقریباً معادل پودر شیر بدون چربی ما بود. لیکن آن‌ها فراورده فرعی کره را نیز نگه می‌داشتند و می‌خوردند که البته تأثیر سلامتی شیر خامه خشک را نداشت.<sup>۳</sup>

۱. درباره گوشت اسب نگاه کنید:

Martin- Rosiest et al, "Rendement et composition des carcasses du poulain de boucherie", *Bulletin Technique, Centre des Recherches Zootechniques et Veterinaires de thelix 41*.

(no author), *Nutrient Requirements of Domestic Animal, Number 8: Nutrient Requirements of Dogs*, 46.

درباره شیر و گوشت گله گاو مغولی نگاه کنید:

Epstein, *Domestic Animals of China*, 2-3

Ovdiyenko, "Economic- Geographical Sketch of the Mongolian Peoples Republic", 65.

Dahl and Hjort, *Having Herds*, 25, 170.

ارقام ارزش کالری شیر گاوها ناحیه به ناحیه و نژاد به نژاد به طور قابل ملاحظه ای فرق داشت. در مورد گوسفند نگاه کنید:

Dahl and Hjort, 216.

در مورد شیر (از آفریقا به نسبت آسیای میانه میزانی از ۱,۰۵۰ تا ۱,۲۰۰ کیلو کالری به دست داده است). منبع دیگر در این مورد نگاه کنید:

Kon, *Milk and Milk Products in Human Nutrition*, 3.

در مورد گوشت نگاه کنید:

Epstein, 34

Dahl and Hjort, 201, 204.

۲. پاینت (pint) پیمانه ای تقریباً معادل ۵۷ / لیتر است. م

3. Rubruck, *The Journey of William of Rubruck*, in Dawson, 99.

در نقل و قول‌های روبروک از ترجمه داوسون استفاده شده است و ترجمه بهتر جکسون تحت عنوان زیر هنگامی که این مقاله را می‌نوشتیم قابل دسترس نبود.

Jackson, *The Mission of Friar William of Rubruck*, eds. P. Jackson and Morgan (London: Hakluyt Society, 1990).

جالب است که مغولان فقیر احتمالاً از یک رژیم غذایی بهتر - متناسب بهره‌مند بودند. بعد از مرگ پدر چنگیز، بیشتر رمه‌هایشان را دزدیدند، بطوریکه مادرش مجبور بود غذای موردنیاز فرزندانش را از گیاهان خوردنی همچون گلابی‌ها و گیلاس‌های وحشی، گیاهان آبی، ریشه‌های سانگی زورباد، پیاز وحشی، سیر، ریشه زنبق و پیازچه‌های سیر تأمین کند. باوجوداین نوع رژیم غذایی درجه دوم، چنگیز و فرزندانش «مردانی عاقل و بالغ بار آمدند»، مطابق گزارش‌هایی که در تاریخ سری مغولان آمده است.<sup>۱</sup> چنانچه سخن آن رفت مغولان علاقه زیادی به شیر مادیان داشتند (و دارند). شیر مادیان نه صرفاً به خاطر چربی آن که در مقایسه با شیر دیگر حیوانات اهلی یک نوشیدنی رژیمی با ۲۱۴ کیلوکالری بود، بلکه به خاطر تبدیل آن به الکل تخمیری است که به آن «قُمیس»<sup>۲</sup> می‌گفتند.<sup>۳</sup> الکل آن چندان بالا نبود، هرچند از حدود ۳٫۲۵٪ تا ۱۶٫۶۵٪ متغیر بود. پلانو کارپینی اشاره می‌کند: «مغولان مستی را ارج می‌نهادند».<sup>۴</sup> آن‌ها مجبور بودند با عادت به نوشیدن حجم بالایی از شراب ضعیف و سستی خود را جبران نمایند. چنانچه بار دیگر کارپینی اشاره دارند: «مغولان شیر مادیان را به مقدار بسیار زیادی می‌نوشیدند، اگر آن را داشته باشند...».<sup>۵</sup>

در این مورد روبروک به‌تفصیل چنین شرح می‌دهد: «آن‌ها در تابستان نگران چیزی نبودند جزء (قمیس)... هنگامی که ارباب نوشیدن را آغاز می‌کرد، یکی از ملازمان با صدای بلند فریاد «ها!» سر می‌داد و یک نوازنده شروع به نواختن موسیقی می‌کرد. اگر این یک جشن بزرگ بود علاقه بیشتری برای شرکت در آن نشان می‌دادند. مردان جلو ارباب و زنان جلو همسر ارباب کف می‌زدند و با صدای

1. *The Secret History of the Mongols*, section 74.

نام گیاهان از منبع زیر گرفته شده است:

Buell, "Pleasing the Palate of the Qan: Changing Food Ways of the Imperial Mongols", 60.

2. qumis

۳. برای ارزش کالری شیر مادیان نگاه کنید:

Kon, 3.

تخمیر را می‌توان با هر شیری انجام داد، اما شیر مادیان از قند شیر بالایی برخوردار بود (شیر مادیان بالای ۱۶٪ در حالیکه شیر سایر حیوانات کمتر از ۵٪). مغولان انتخاب محدودی داشتند، اما یک مزه ای برای قمیس کشف کردند، آنطور که کارپینی گزارش می‌دهد (نک: یادداشت کارپینی در زیر نویس ص دوم این مقاله شماره ۳) سایر نوشیدنی‌های الکلی را مجبور بودند وارد کنند. به قیمت‌های بالا و دشواری حمل و نقل واردات غذایی نیز اشاره خواهیم نمود.

4. Carpini, 16.

5. Carpini, 17.

موسیقی، رقص و پایکوبی می‌کردند، سپس ارباب شراب سر می‌کشید و یکی از ملازمان مثل دفعه قبل فریاد «ها!» سر می‌داد و نواختن متوقف می‌شد. همه مردان و زنان شرکت‌کننده در این جشن شراب می‌نوشیدند و گاهی اوقات با رفتاری حریصانه و زنده در نوشیدن شراب چشم هم‌چشمی می‌کردند... هنگامی که آنان قصد داشتند کسی را به نوشیدن شراب وادار کنند او را می‌گرفتند و به شدت گوش‌هایش را می‌کشیدند تا مجرایش را باز کند و جلو او کف می‌زدند و می‌رقصیدند»<sup>۱</sup>.

با وجود این، مغولان پیش از دوره امپراطوری تا حد زیادی درگیر زیان‌های کمبود شراب بودند، چنانچه روبروک اشاره می‌کند شیر مادیان به‌طور معمول تنها در تابستان موجود بود، در طول سه تا پنج ماه شیردهی مادیان‌ها بیشتر آن را در این مدت مصرف می‌کردند. برای زندگی کردن به‌ویژه بدون قمیس، گفته می‌شود هر شخص به ۲۰۰۰ کالری در روز نیاز داشت، حداقل ۹ پاینت یعنی تولید روزانه شیر دو مادیان (بیشتر و بالاتر از نیاز کره اسبشان). دو مادیان در همان اندازه یک خانواده معمولی را نگه می‌داشت<sup>۲</sup>. آن‌ها را کفایت می‌کرد که مرد خانواده بتواند در طول پنج ماه از بهار و تابستان وقت خود را صرف قمیس کند. (ناظران چادرنشینان آسیای میانه معمولاً بیان می‌کنند که مردان در زمان صلح چیزی برای انجام دادن نداشتند).

بنابراین تا اینجا ما به این نتیجه رسیدیم که مغولان در ابتدا از یک رژیم غذایی با چربی و کلسترول بالا برخوردار بودند و تا اندازه‌ای از کمبودهای غذایی جلوگیری می‌کردند. علاوه بر این، با تمایل به مستی با تهیه محدود و گنجایش الکل پایین از نوشیدنی‌های موجود ضعف خود را جبران می‌نمودند.

با رسیدن دوره امپراطوری طی دو نسل (۱۲۷۹-۱۲۰۶ م) مغولان توانستند بخش مهمی از دنیای شناخته‌شده جهان یعنی چین، روسیه و بیشتر خاورمیانه را فتح کنند. از عواید این امپراطوری فرمانروایان مغول سعی داشتند غذاهای بیشتری در دسترس اتباع چادرنشین خود قرار دهند، همه آن‌ها

1. Rubruck, 96-97.

۲. نیازهای کاری به طور قابل ملاحظه‌ای گله اسب را فراتر از نیازهای ابتدایی‌شان یعنی سواری افزایش داده بود، به طوری که از یک اسب به سه تا برای هر خانواده رسیده بود، ترجیحاً اسب‌های اخته (که در روزهای خوش قدیم به عنوان اسب جنگی استفاده می‌شدند). نگاه کنید:

Vreeland, 32-33, 40-42.

در جوانی چنگیز که مادرش هو آلون (Ho elun) سرپرستی خانواده‌شان را بر عهده داشت، هشت اسب اخته داشتند حتی بعد از آنکه توسط اردوی رقیب دزدیده شدند، دست کم دو تای دیگه داشتند. نگاه کنید:

Secret History, section 90.

می‌توانستند غذاهای مطلوبی بخورند و علاوه بر این، به یک منبع متناوب از نوشیدنی‌های مست‌کننده دست یابند.

در ابتدا مغولان برای گسترش تدارکات غذایی متکی به تجارت بودند که برای آنان بسیار پرهزینه بود. در سال ۱۲۲۱ م یک مسافری چینی به یک کاروان برخورد نمود که مواد غذایی به مغولستان حمل می‌نمود وی گزارش می‌دهد: «هزینه هشت کاتی<sup>۱</sup> (در حدود ۱۰۰ پوند وزنی در ۱/۳-۱ پوند وزنی/ کاتی) آرد اینجا (در مغولستان غربی) به اندازه ۵۰ پوند نقره است، زیرا در فاصله‌ای حدود ۲۰۰۰ لی<sup>۲</sup> (یک لی ۱,۳۶۴ پا یا در حدود یک‌چهارم مایل) بر پشت شتر از آن‌سوی (تیان) شان توسط تجار خارجی از سرزمین‌های غربی آورده می‌شد».<sup>۳</sup> چنین قیمت‌هایی حتی توسط اوکتای قاآن جانشین چنگیز که دست‌و‌دل‌باز و ولخرج بود گران آمد. از این‌رو وی یک برنامه مشخصی برای تهیه منابع غذایی مغولستان بیرونی برقرار کرد و حکمی (یاسا) صادر کرد مبنی بر اینکه هر روز باید ۵۰۰ واگن غذا و نوشیدنی از ولایات (چینی‌های مغولان) که منبع ذخایر و توزیع آن بودند به (قراقوروم<sup>۴</sup> مرکز مغولستان بیرونی) وارد شود. برای حمل (غله) و (شراب) واگن‌های بزرگی تهیه‌شده که شش گاو نر آن‌ها را می‌کشید.<sup>۵</sup>

برای اینکه مقدار غذای فراهم‌شده را حساب کنیم لازم است اندازه بار واگن را برآورد کنیم.<sup>۶</sup> در این میان وسایل آسیای میانه توسط یک تاجر فلورانس آگاه به تجارت آسیای شرقی به نام پجولوتی چنین

۱. واحد وزنی برابر با یک - یک دوم پوند (۶۸۰ گرم). م

2. li

3. Chih- Chang Li, *Travels of an Alchemist*, 71.

باقیمانده غله فراهم شده از لحاظ تجاری و یا احتمالاً در نتیجه قصور در برنامه تدارک عمومی اوکتای بار دیگر در مغولستان در مقایسه با چین گران شده بود. مطابق گزارش چی ایچینگ شیانو هزینه‌ها در قراقوروم پنج تا هفت برابر شده بود به اندازه‌ای که در طول سلطنت قویلیای در تا-ت آونگ اتفاق افتاده بود. نگاه کنید:

Chichiing Hsiao, *The Military Establishment of the Yuan Dynasty*, 60.

4. Qara- Qorum (Khara Khorum)

5. Rashid al- Din, *The Successors of Genghis Khan*, 62- 63.

باید توجه داشت که اوکتای این طرح را برقرار نمود، نه چنگیز؛ به دست آوردن غذا برای مغولان یک انگیزه برای فتح نبود، بلکه یک چاره اندیشی پس از آن بود.

۶. همچنین مشخصه‌های مهم دیگر نظام تدارک منابع می‌تواند چنین برآورد شود: در هر ماه چهار بار واگن‌های غله بین تا- ت آونگ (Ta- tung شهر مرزی چین که نقطه شروع نظام تدارک غذای مغولان بود) و قراقوروم تردد می‌کردند، مطابق با آنچه که شیانو در صفحه ۵۹-۶۰ کتاب خویش آورده است. این فاصله سفر دوسره در حدود ۱۵۰۰ مایل بود. بنابراین بدون در نظر گرفتن زمان بارگیری، اصلاح و

توصیف شده است که یک واگن توسط یک گاو نر، باری در حدود ۱۰۰۰ پوند وزنی (۱۰ کنتارس ژنوبی) حمل می‌کرد و یک واگن سه شتری نیز باری در حدود ۳۰۰۰ پوند وزنی (۳۰ کنتارس) را حمل می‌نمود. اما پجولوتی از واگن شش گاو نر ذکر نمی‌کند.<sup>۱</sup> اگر در اینجا سه شتر می‌توانستند ۳۰۰۰ پوند بار را حمل کنند، به نظر می‌رسد شش گاو نر می‌توانستند دست‌کم ۴۰۰۰ پوند وزنی را حمل کنند. در این صورت تدارک غذا و نوشیدنی برای قراقوروم بالغ بر ۱۰۰۰ تن در روز می‌شد. اگر بارها دو سوم غذا و یک‌سوم نوشیدنی بود، در این صورت مردم مغولستان خارجی هر روز دو پوند غذا (احتمالاً غذا، آرد و خمیراک<sup>۲</sup>) و یک پاینت نوشیدنی در روز دریافت می‌کردند.<sup>۳</sup>

فرمانروایان مغول تدارک فراوانی از گوشت اسب و قمیس را برای مصرف شخصی خودشان ترتیب می‌دادند. ابن بطوطه که در اوایل قرن چهاردهم در اردوی زرین در روسیه به سر می‌برد برای نمونه گزارش می‌دهد که وی «یک روز در طول ماه رمضان در حضور سلطان ازبک (مغولی) بود. در اینجا گوشت اسب (این گوشتی است که مغولان اغلب آن را می‌خوردند) و گوشت گوسفند داده شد و رشته

تعمیر و غیره؛ میانگین حرکت ۱۲.۵ مایل در روز (mpd) بود. در مقایسه با ۱۷ مایل در روز که آهنگ حرکت یک سفر تجاری در سراسر آسیای میانه از تانا (Tana) در دریای سیاه تا کانچو (Canchow) در چین بود، مطابق آنچه پجولوتی آورده است:

Pegolotti, *La Partica della Mercatura*, 21.

این حمل و نقل شرق- غرب احتمالاً سریع‌تر انجام می‌گرفت، زیرا در این مسیر از واگن‌های کوچک‌تر و حیوانات بارکش و تندرو تر استفاده می‌شد. در آهنگ حرکت میان بیجینگ (Beijing) و قراقورم ۹۰۰ و خرده ای مایل در ۵۳ روز طی می‌شد. در رفت و برگشت این مسیر (بدون تأخیر در هنگام برگشت) ۱۰۶ روز طول می‌کشید؛ بطوریکه در هر روز ۵۰۰ واگن به قراقورم می‌رسید. برای ۶۰ هزار واگن ۳۶۰ هزار گاو نر (بدون در نظر گرفتن مدت از کار افتادگی) و برای هر واگن ۶ تا گاو نر (بدون جایگزین‌ها و تعویض‌ها) و علاوه بر این، دست‌کم ۶۰ هزار درشکه (هر واگن یک درشکه) نیاز بود.

1. Pegolotti, 22.

با فرض اینکه کانتراس ژنوبی به وزن ۱۰۴.۸۳ پوند وزنی (۴۷.۶۵ کیلوگرم) است؛ مابه‌التفاوت در حدود ۱.۲۵۰ پوند وزنی است (برای یک واگن که توسط یک گاو نر حمل می‌شد). نگاه کنید:

Lopez, and Smith, and Raymond, *Medieval Trade in the Mediterranean World*, 357- 358.

2.pasta

۳. نیروی نظامی چنگیز خان در سال ۱۲۰۶ در حدود ۱۳۵ هزار نفر شمارش شده است؛ تقریباً کل جمعیت مردان بالغ مغولستان بیرونی پنج برابر این تعداد است که احتمالاً جمعیت نهایی ۶۷۵ هزار نفر بود. نگاه کنید:

Smith, "Mongol Manpower and Persian Population", 271- 299.

در صفحات ۸۳- ۲۸۲ مقاله فوق: یک پوند نان تقریباً ۱۰۰۰ کالری داشت. وزن ظرف‌های نوشیدنی گنجایش محاسبه را نداشت.



یک نوع ماکارونی پخته که آن را با شیر میل می‌کردند»<sup>۱</sup>. در یک مورد دیگر که فرمانده مغولی تغلق تیمور در یک مهمانی مذهبی رسمی ابن بطوطه را نیز دعوت نموده، چنین آورده است: «خدمتکاران... سینی‌های پر از گوشت اسب و غیره آوردند. و همچنین شیر مادیان و سپس بوزه<sup>۲</sup> (ارزن تخمیر شده) و در پایان قاریان قرآن با صدای زیبا قرآن تلاوت نمودند». پس از این و دیگر نمایش‌های مذهبی «غذای بیشتری داده شد و آن‌ها این مراسم را تا شب ادامه دادند...»<sup>۳</sup>. در این زمان قمیس دیگر تنها نوشیدنی الکلی قابل دسترس نبود. اکنون که سرزمین‌های یکجانشین فتح شده و باج پرداخت می‌کردند، از این نوع نوشیدنی‌های الکلی فراوان در دسترس بود (چنانچه در تدارک آذوقه اوکتای شاهد بودیم). مطابق گزارش‌های ویلیام روبروک، مغولان دوره امپراطوری «شراب برنج»<sup>۴</sup> یا «آبجوی برنج»<sup>۵</sup> «شراب عسل» یا عسل تخمیر شده (بال)<sup>۶</sup>، شراب ارزن تخمیر شده (بوزا)<sup>۷</sup> و یک شراب قرمز «شبیبه به شراب لاروشل»<sup>۸</sup> تهیه می‌کردند.<sup>۹</sup> همه این‌ها بدون تردید شدیدتر و قوی‌تر از قمیس بودند- به‌ویژه شراب قرمز- و برخلاف قمیس کل سال قابل دسترس بودند<sup>۱۰</sup>. شراب، شراب قرمز، عسل تخمیر شده و قمیس تقطیر شده (قراقمیس) همه در دربار خوانین مغول در زمستان قابل دسترس بودند.<sup>۱۱</sup> فرمانروایان مغول تا اندازه‌ای به یک‌شکل این نوشیدنی‌ها را میل می‌کردند. در قرا قورم مطابق گفته‌های روبروک: «منگو خان (سومین جانشین چنگیز، ۵۸-۱۲۵۱) ... یک قصر بزرگ داشت... که او جشن

1. Ibn Battuta, *The Travels of Ibn Battuta*, 474.

بونل در صفحات ۲۰۵، ۲۰۸ و ۲۱۳-۲۱۱ اثر خویش (نک: زیر نویس صفحات پیشین) خوراکی‌ها و مواد غذایی جدیدی را توصیف می‌کند که خانواده سلطنتی مغولان بعد از حصول امپراطوری و منابع اش به دست آوردند.

2. buza

3. Ibn Battuta, 477.

4. Rubruck, 176.

5. Rubruck, 163.

6. Rubruck, 154.

7. Ibn Battuta, 477.

۸. لاروشل (La Rochelle) از شهرهای فرانسه. م

9. Rubruck, 163.

۱۰. پل بونل در صفحه ۷۸ اثر خویش به این موضوع پرداخته است.

11. Rubruck, 163.

روبروک در صفحه ۹۹ قرا قمیس را به عنوان «یک نوشیدنی خیلی خوشایند و واقعاً قدرتمند» توصیف می‌کند، اما گفته می‌شود این نوع نوشیدنی تنها برای اشراف بزرگ قابل دسترس بود.

نوشیدنی اش را دو بار در سال برگزار می‌کرد، یک بار در روز عید پاک وقتی از آنجا عبور می‌کرد و بار دوم در تابستان هنگامی که از آن مسیر بازمی‌گشت...». (فرمانروایان مغول مثل سایر اتباعشان چادر نشین بودند؛ تنها بخشی از سال را در اسم بی‌مسمای «پایتخت‌هایشان» سپری می‌کردند). «در ورود به قصر منگو، منظره‌ای زنده دید که در آن مشک‌هایی از شیر و دیگر نوشیدنی‌ها در آنجا بود. جناب ویلیام از پاریس یک درخت نقره‌ای بزرگ برای او ساخته بود. در قسمت پایین آن چهار تا شیر نقره‌ای قرار دارند که هر کدام از طریق یک نای لوله‌ای کل شیر سفید مادیان را از پشت آغ می‌زدند. در تنه درخت نیز چهار لوله به بالای درخت منتهی می‌شد و در انتها نوک لوله‌ها به سمت پایین خم می‌شد و روی هر یک از آن‌ها یک مار بزرگ طلاکاری شده است و دم گرد تنه درخت پیچیده می‌شد. یکی از آن‌ها شراب بیرون می‌داد، دیگری (قراقمیس) که شیر مادیان تعویض شده بود (قمیس تقطیر شده)، یکی دیگر بال که شراب عسل است و یکی هم شراب برنج... در رأس درخت یک فرشته ساخته بود که یک شیپور را نگه می‌داشت؛ در زیر درخت نیز یک دخمه و سردابی درست کرده بود که شخص می‌توانست در آن مخفی شود و یک لوله که از وسط درخت به فرشته می‌رسید... در خارج از قصر یک تالاری وجود داشت که نوشیدنی‌ها در آن نگهداری می‌شدند و خدمتکارانی که اینجا ایستاده و آماده بودند به محض شنیدن طنین شیپور فرشته، شراب‌ها را جاری سازند... و همچنین هنگامی که نوشیدنی‌ها کم می‌شد رئیس آبدارخانه به فرشته اعلام می‌کرد تا شیپورش را به صدا درآورد. سپس با شنیدن این، شخصی که در زیر دخمه پنهان بود با تمام توانش لوله را به سمت فرشته بالا می‌برد و با قرار گرفتن شیپور در دهانش، فرشته با صدای خیلی بلند این را به صدا درمی‌آورد. هنگامی که خدمتکاران در تالار، صدای شیپور را می‌شنیدند در هر یک از لوله‌ها شرابی را که مخصوص آن لوله بود جاری می‌ساختند، لوله‌ها از بالا و پایین نوشیدنی‌ها را در لگن‌های (نقره‌ای) که متناسب با هر یک از آن‌ها بود می‌ریختند و سپس ساقیان شراب‌ها را دریافت نموده و برای زنان و مردانی که در اطراف قصر بودند حمل می‌کردند»<sup>۱</sup>.

همچنین طبق اظهارات مارکوپولو،<sup>۲</sup> قویلای خان برای مهمانی‌های بزرگ و مشابه، با گنجایش ۴۰۰۰۰ مهمان دارای «اسباب و اثاثیه‌ای بسیار خوب و پر زرق و برق با اندازه‌ای بزرگ و به شکل یک دولا ب مربعی بود که هر طرف سه گام (حدود ۲۴۰ سانتی متر) درازا داشت و اشکال حیوانات استادانه بر روی آن‌ها حکاکی و باظرافت طلاکاری شده بودند. درون آن گود بوده و شامل یک مخزن طلائی

1. Rubruck, 175- 176.

2. Marco Polo, *The Travels of Marco Polo*, f 137. ۱۹۸۰. چاپ جدید.

بسیار بزرگ به شکل یک کوزه با گنجایش یک بشکه بوده که آن را از شراب پر می‌کرده‌اند. در هر گوشه این دولاب یک مخزن با گنجایش یک بشکه چوبی قرار دارد که یکی با شیر مادیان، یکی با شیر شتر و سایر مخزن‌ها با سایر نوشیدنی‌ها پر شده‌اند. ... شراب یا سایر نوشیدنی‌های گران‌قیمت از دولاب به درون تنگ‌های بزرگ طلا با گنجایش سیراب کردن هشت یا ده مرد، ریخته می‌شد. یکی از تنگ‌ها میان هر دو مردی که بر سر میز نشسته‌اند قرار داده می‌شود. هرکدام از آن دو، پیاله‌ای دسته‌دار از جنس طلا دارند که آن را از محتویات تنگ پر می‌کنند. و برای هر دو زن هم به همین صورت یک تنگ و دو پیاله فراهم شده است»<sup>۱</sup>.

قوبیلای، احتمالاً مانند سایر فرمانروایان مغول، به‌طور مکرر تشریفات فراوان و اسراف‌کارانه‌ای را در جشن سال نو، در جشن‌هایی که برای هر یک از ۱۳ ماه قمری برگزار می‌شد، در موقعیت‌های جشن و شادمانی بوجود آمده و در سالگرد تولدها، فراهم می‌کرده است. جشن تولدها را بخصوص باید جزو بسیاری از مهمانی‌ها به شمار آورد. مارکوپولو فقط مهمانی‌های برگزار شده توسط قوبیلای را با جزئیات توصیف می‌کند، اما وی این نکته را نیز خاطر نشان می‌کند که «تمامی مغول‌ها، سالگرد تولدهایشان را به‌صورت جشن‌هایی برپا می‌کردند»<sup>۲</sup>. قوبیلای ۴ همسر و ۲۲ پسر از آن‌ها (به‌علاوه تعداد نامشخصی فرزند دختر) و همچنین چندین زن صیغه و ۲۵ پسر دیگر از این زنان داشت (و مطمئناً دارای چندین فرزند دختر نیز بوده است). و سپس خویشاوندانش، فرماندهان سلطنتی وی، زنان و فرزندان آن‌ها غیره نیز حضور داشته‌اند.

در این ضیافت‌های بزرگ، مهمانان و میزبانان به‌طور مدام می‌نوشیدند. پلانو کارپینی در ضیافت‌های پس از انتخاب گیوک خان و تاج‌گذاری وی شرکت کرده و اظهار می‌دارد که «سران، مذاکرات انتخاباتی خود را درون چادر برگزار می‌کردند. ... آن‌ها تقریباً تا اواسط روز در چادر می‌ماندند و سپس شروع به نوشیدن شیر مادیان می‌کردند و تا غروب بسیار می‌نوشیدند که این امر بسیار حیرت‌انگیز بود. ... چند روز بعد آن‌ها گیوک خان را بر تخت امپراطوری نشانند و سران پیش روی وی زانو زدند و پس از آن‌ها

1. Polo, 136.

طبق "American College Dictionary"، یک بشکه برابر است با دو خمره چوبی که هر کدام برابر با ۶۳ تا ۱۴۰ گالن هستند؛ یک بشکه چوبی برابر است با یک چهارم یک خمره چوبی که آن هم در واحد شمارش آمریکا برابر است با ۳۱/۵ گالن.

2. Polo, 137f.

تمامی مردم به استثنای ما که تحت تسلط آن‌ها نبودیم، نیز در برابر وی زانو زدند. سپس آن‌ها طبق رسم و رسوم خود شروع به نوشیدن کردند و تا غروب بی‌وقفه به نوشیدن ادامه دادند.<sup>۱</sup>

ابن بطوطه در ضیافت امپراطوری سرزمین اردوی زرین شرکت کرده بود که بیش از هزار فرمانده مغول (شاید ۱۸۷ نفر از آنان، به فرض یک ارتش منظم، ارتش ایلپاتی سرزمین اردوی زرین متشکل از ۱۷ تومان بوده است که هرکدام از آن‌ها از ده‌ها هزار سرباز تشکیل می‌شد)<sup>۲</sup> به همراه مقامات عالی مذهبی و مهمانان برجسته (مانند ابن بطوطه) به آن دعوت شده بودند. در ابتدا گوشت آب‌پز شده اسب و گوسفند داده شد. «پس از آن مخزن‌های نوشیدنی از جنس طلا و نقره آوردند. از آنجایی که مکتب قانون اسلامی حنفیه، نوشیدن مشروب تخمیر شده را جایز می‌شمارد، آن‌ها بیشتر از مشروب تخمیر شده عسل (شراب عسل) استفاده می‌کردند. زمانی که سلطان (ازبک خان) میل به نوشیدن داشت، دخترش قده را در دست گرفته و ادای تکریم را به‌جا می‌آورد... و سپس قده را به وی تقدیم می‌نمود. زمانی که کار نوشیدن سلطان پایان می‌یافت، او (دخترش) قدهی دیگر برداشته و آن را به همسر ارشد سلطان تقدیم می‌داشت. پس از آن، او قده را به ترتیب برتری و مقام به زنان دیگر تقدیم می‌کرد. سپس جانشین سلطان قده را گرفته، تکریم را به‌جا می‌آورد و آن را به پدر خویش تقدیم می‌نمود و سپس وی (سلطان) پس از نوشیدن آن را به همسران خویش تقدیم می‌کرد و پس از آن‌ها، قده را به خواهر خویش داده و وی (خواهرش) همه آن‌ها را تحسین و تکریم می‌نمود. سپس پسر دوم برمی‌خیزد و قده را می‌گیرد و به‌منظور نوشیدن، برادر خود را تکریم و احترام می‌کند و آن را به وی می‌دهد. پس از این همه، فرماندهان عالی‌رتبه برمی‌خیزند و هرکدام از این ۱۷ نفر پیاله را به جانشین سلطان داده و او را احترام می‌کنند و پس از آن سایر اعضای خانه سلطنتی برخاسته و هرکدام پیاله را به پسر دوم داده و احترام او را به‌جای می‌آورند. سپس ۱۷۰ فرمانده با رده‌ پایین‌تر برمی‌خیزند و به‌منظور نوشیدن، پیاله را به پسران پادشاهان می‌دهند. در طول این جشن، آن‌ها آوازهایی را همچون ترانه‌های پاروزن‌ها می‌خواندند».<sup>۳</sup>

پس از این جشن و نوشیدن - جشن پایان ماه رمضان، ماه روزه گرفتن مسلمانان - تصور می‌شد که ازبک خان برای نماز در مسجد حاضر می‌شود. «ازبک خان دیر کرد و برخی می‌گفتند که او نخواهد آمد، زیرا مستی برای او بهتر است و برخی دیگر اظهار می‌داشتند که او در حضور برای نماز و عبادت

1. Carpini, 62-63.

2. Smith, "Manpower", 289-290.

3. Ibn Battuta, 495-496.

روز جمعه کوتاهی نخواهد کرد. پس از اینکه زمان زیادی گذشت، وی تلوتلو خوران از راه رسید. سپس ما نماز جمعه را به جا آوردیم و مردم به خانه‌های خویش رفتند. سلطان به چادر باشکوه خویش بازگشت و تا نماز عصر - و احتمالاً مثل قبل - به نوشیدن ادامه داد.<sup>۱</sup> مهمانان جشن از یک خان علاوه بر مهمان نوازی، هدایایی نیز دریافت کردند.» تا جایی که چشم کار می‌کرد در راست و چپ، واگن‌هایی با بارهایی از پوست مادیان وجود داشت و در موعد خود سلطان دستور داد که آن‌ها را بین حضار توزیع کنند. آن‌ها یک واگن نیز به من (ابن بطوطه) دادند، اما آن را به همسایگان ترک زبانم بخشیدم<sup>۲</sup>. اگر این واگن را به گاو می‌بستند، می‌توانست حاوی ۱۳۱ گالن قمیس را حمل کند.

خوردن طعام و نوشیدنی در مهمانی سلطنتی مغول می‌تواند قابل سنجش باشد. طبق اظهارات روبروک، منگوقاآن در تاریخ ۲۴ ژوئن سال ۱۲۵۴ میلادی، یک جشن نوشیدنی باشکوه را با «۱۰۵ ارابه با بار شیر مادیان و ۹۰ اسب برای طعام میزبانی کرد...»<sup>۳</sup>. متوسط وزن اسب‌های مغولی حدود ۶۰۰ پوند وزنی<sup>۴</sup> بوده و وزن گوشت آن‌ها حدود ۲۴۰ پوند وزنی<sup>۵</sup> است.<sup>۶</sup> بنابراین ۹۰ اسب، گوشتی حدود ۲۰۰۰۰ پوند وزنی<sup>۷</sup> تولید می‌کنند. از نظر منگوقاآن سهم گوشت مناسب برای مهمانان خویش ممکن است از مقرری خود برای مهمانی سیار و چهار روزه روبروک تخمین زده شود: یک گوسفند برای چهار روز.<sup>۸</sup> این مقدار، روزانه سه پوند<sup>۹</sup> گوشت گوسفند برابر با ۵.۵۰۲ کیلوکالری برای هر مرد فراهم می‌کرده است. با احتساب سه پوند (۱/۳۶۲ کیلوگرم) گوشت اسب برای هر مهمان، ۹۰ اسب

1. Ibn Battuta, 496.

2. Ibn Battuta, 496.

3. Rubruck, 202.

۴. معادل ۲۷۲.۴ کیلوگرم. م

۵. معادل ۱۰۸.۹۶ کیلوگرم. م

6. Epstein, 100; Martin- Rosset, "Rendement".

۷. معادل ۹۰۸۰ کیلوگرم. م

8. Rubruck, 206 in Dawson and 253 in Jackson.

یک لیست جایگزین و طولانی‌تری از مهمانان - با تشریفات کمتری در فراهم کردن آذوقه - را می‌توان از جمله روبروک، صفحه ۹۸ که می‌گوید "مغولان پنجاه یا صد مرد را با گوشت یک گوسفند طعام دادند..." تخمین زد. گوسفندان مغولی دارای وزن متوسط ۵۴/۹۳۴ هستند (Epstein, 34)، که حدود ۴۴ درصد یا ۲۴/۰۶۲ کیلوگرم از آن‌ها قابل خوردن است و انرژی ای‌ای برابر با ۱۸۳۴ کیلوکالری بر پوند فراهم می‌نمایند ((Dahl and Hjort, 201,204) در مقیاس‌های بزرگ‌تر، ۹۰ اسب ۲۰۰۰۰ مهمان را طعام می‌دادند- و با فرض ۴۵۴ کیلوگرم بار بر ارابه‌های حمل نوشیدنی، هر کدام از مهمانان حدود ۵ پینت (۲/۵ کورات) شیر مادیان نوشیدند.

۹. معادل ۱.۳۶۲ کیلوگرم. م

منگوقاآن حدود ۷۰۰۰ نفر را با ۵۵۶۵ کیلوکالری برای هرکدام، تغذیه کرده‌اند. با فرض بارهای ۱۰۰۰ پوند<sup>۱</sup> بر گاری‌های حمل کننده نوشیدنی، همچنین هرکدام از ۷۰۰۰ نفر حدود ۲ گالن قمیس نوشیده‌اند که این مقدار معادل تقریبی ۱۹ جرعه از مشروب با الکل به میزان معمولی نوع ۸۰ است.<sup>۲</sup> فراهم کردن فهرستی از ۷۰۰۰ مهمان امکان پذیر است. ملازمان منگوقاآن عبارت بودند از بخش عظیمی از نگهبانان سلطنتی وی، محافظان و گاردهای سلطنتی، نیروی نظامی ۱۰ هزار نفری که از بهترین خانواده‌های مغول انتخاب شده بودند و منگوقاآن احتمالاً تمامی آن‌ها را به منظور ذخیره نگهبانان و تدارک غذا دعوت کرده است (همانطور که از مارکوپولو نقل کردیم، قویلای هر ماه این کار



۱. معادل ۴۵۴ کیلوگرم. م

۲. م شیر مادیان دوشیده شده علاوه بر تغذیه کره اسب‌ها، روزانه فقط حدود ۲ کورات (۱/۹ لیتر در واحد شمارش آمریکا یا ۲/۰۴۳ کیلوگرم) تولید می‌کرد (Vreeland, 40) (مقایسه شود) (see: Epstein, 101, cf ۱۳۰۰۰ گالن شیر مادیان در واحد شمارش آمریکا برای این مهمانی و مهمانی مشابه دیگری که ۵ روز بعد یعنی ۲۹ ژوئن برگزار شد به گله ای بزرگ از مادیان شیرده نیاز داشته است. برای مثال ۳۰۰۰ مادیانی که برای باتو، خان سرزمین اردوی زرین، شیر تولید می‌کردند را در نظر بگیرید (Rubruck, 99).

را انجام می‌داد).<sup>۱</sup> این وظیفه به ۱۰۰۰ نفر از نگهبانان شب و نیز ۱۰۰۰ نفر از حاملان تیردان ها محول شد و احتمالاً حفاظت مهمانان به ۸۰۰۰ نفر از نگهبانان روز واگذار شد.<sup>۲</sup>

فرماندهان مغول هم در زمان صرف غذا و هم در طول ساعات کاری می‌نوشیدند. روبروک چند دیدار با منگوقاآن داشته و در ابتدا او منگوقاآن را مست مشاهده کرد<sup>۳</sup>، او معتقد است که خان حین ملاقات ۴ بار نوشید.<sup>۴</sup>

بر این نکته نیز باید تاکید کرد که زنان سردمداران فرمانروایی مغول نیز به همان اندازه مردان می‌نوشیدند. زنان نیز در جشن‌ها شرکت می‌کردند و همانند همسرانشان در ضیافت‌های منگوقاآن و قویبیلای که پیش‌تر به وی اشاره کردیم، می‌نوشیدند. «آواز خواندن و بلند فریاد زدن در حالت مستی را ... نمی‌توان فقط به زنان و مردان مغول نسبت داد»،<sup>۵</sup> «زنان مغول ممکن است بسیار مست کنند اما در

1. Polo, 140.

برای اطلاعات بیشتر در مورد مهمانی محافظان و گاردهای سلطنتی قویبیلای اطلاعاتی در مورد سهمیه مورد نیاز برای برگزاری جشن یک هفته ای پس از انتخاب منگوقاآن در مجمع رهبری (قوریلتای) در سال ۱۲۵۱ نیز در منبع زیر موجود می‌باشد:

Juvaini, *The History of the World- Conqueror*, 573.

Rashid al- Din/ Boyle, 207.

آن‌ها اظهار داشتند که برای هر روز ۲۰۰۰ گاری حامل نوشیدنی (قمیس و شراب)، ۳۰۰۰ گوسفند و ۳۰۰ گاو و اسب برای طعام فراهم شده بود. از آنجایی که برای یک هفته جشن و فراهم کردن ۱/۷۵ میلیون گالن شیر/قمیس به تعداد فراوانی از مادیان شیردهی که روزانه ۲ کوارت شیر علاوه بر تغذیه کره اسب‌ها تولید می‌کنند، نیاز است، بخش عظیمی از آذوقه نوشیدنی را شراب تشکیل داده است. تعداد حیوانات خورده شده برابر با دارایی ۴۵ خانوار یا تعداد کمتری است که این میزان قابل قبول است. مقدار سهمی که تعداد بسیار زیادی از حیوانات تولید می‌کنند، قابل توجه است، حدود ۱۰۸۹۶۰ کیلوگرم ۲۴۰۰۰۰ پوند وزنی (۱۰۸۹۶۰ کیلوگرم. م) گوشت در هر روز، اما با تقاضایی که می‌تواند توسط اشخاص بیان شده یا پیشنهاد شده برای سربازان در حضور اربابان در جشن ارائه شود، تناسب دارد، باتو برای منگوقاآن ۳ تومان به عنوان نگهبان فراهم کرده بود؛ شاید ۲۱۰۰۰ نفر بوسیله قاعده تجربی و متعارف ۷ از ۱۰ نفر برای محاسبه حضور سربازان. سپس ۲۰ شاهزاده و فرمانده برای حضور مشخص شدند؛ ۳ نفر از آن‌ها گردان‌های هزار نفری با خودشان آورده بودند و احتمالاً بقیه نیز همین کار را انجام دادند. و منگوقاآن احتمالاً ده هزار سرباز نگهبان داشت. سرانجام، اگر همه این سربازان با خانواده‌هایشان-- هر سرباز، زن و سه فرزند-- سفر کنند، میزان ذخایر معقول خواهد بود. قویبیلای مهمانی‌هایی را با بیش از ۴۰۰۰۰ مهمان میزبانی می‌کرد (Polo, 136).

2. *Secret History*, section 226 and 232.

تعداد نگهبانان روز حاضر در مهمانی با غایب بودن برخی از مردان که برای انجام وظایف خاص انتخاب شده بودند ممکن است کاهش یابد، یا سهمیه‌ها تا حدودی از ۱/۳۶۲ کیلوگرم گوشت به ۱/۱۳۵ کیلوگرم و از ۲ گالن به  $1\frac{2}{3}$  گالن ممکن است کاهش یافته باشد.

3. Rubruck, 155.

4. Rubruck, 195.

5. Rubruck, 167.

حالت مستی سخنی نمی‌گویند یا گلاویز نمی‌شوند»<sup>۱</sup>، روبروک و همراهش توسط یکی از زنان منگوقا آن که برای آن‌ها «آبجوی برنج، شراب قرمز و شیر مادیان (قمیس) آورده بود، پذیرایی شدند. وی با یک جام پر در دست، زانو زده و طلب دعا داشت و همه روحانیان با صدای بلند می‌خواندند و او تمام نوشیدنی درون جام را نوشید. بار بعدی که وی خواست دوباره بنوشد من (روبروک) و همراهم نیز مجبور شدیم با آن‌ها بخوانیم. زمانی که همه حضار تقریباً مست شده بودند، غذا آورده شد (گوشت گوسفند و ماهی کپور) و من مقدار کمی از آن خوردم. به این طریق آن‌ها وقتشان را تا غروب سپری کردند. سپس در حالی که روحانیان آواز می‌خواندند و فریاد می‌زدند، همسر منگوقا آن که مست بود سوار بر ارابه به راه خود ادامه داد»<sup>۲</sup>.

نسل بعدی از زنان سلطنتی نیز بسیار به نوشیدن و مست کردن ادامه دادند. غازان خان، فرمانروای مغول خاورمیانه (۱۳۰۴-۱۲۹۴ میلادی) تلاش کرد که محدودیت‌هایی را برای هزینه‌های شاهدخت‌ها در مورد خرید لباس، حیوانات و آذوقه؛ مقرری فرزندان، حقوق خدمتکاران - و مخارج شرابخانه، تقریباً آبدار خانه، ایجاد کند<sup>۳</sup>. تعیین ذخایر شراب به عنوان یک کالای گران‌قیمت جدا از آذوقه و نیاز به کنترل قیمت آن، بیان می‌کند که شاهدخت‌های مغول همانند شاهزاده‌ها، خان‌ها و در واقع به‌طور کلی مغول‌ها، تا جایی که در توان داشتند، آنقدر می‌نوشیدند که کاملاً مست می‌شدند.

نکته روایت نقل شده این است که مصرف همیشگی و فراوان غذاهای پر کالری مخصوصاً گوشت اسب نتایج پیش بینی شده ای دارد. طبق گفته‌های ابن بطوطه، بیماری نقرس از بیماری‌های شایع در میان مغولان سرزمین اردوی زرین بوده است.<sup>۴</sup> در خاور دور، قویبیلای در ۲۷ سال آخر عمر خود از

1. Carpini, 15.

2. Rubruck, 167.

۳. از کلمه "تقریباً" به این منظور استفاده شده که برای مغولان مهاجر، انبار شراب یک واکن شراب خواهد بود. لمبتن شرابخانه را به صورت "آبدار خانه" ترجمه کرده است:

Lambton, 293- 294.

4. Ibn Battuta, 489.

"ما به ملاقات دختر سلطان رفتیم. ... همسرش نیز در کنار وی حضور داشت. همسر او از بیماری نقرس رنج می‌برد و به همین دلیل قادر به راه رفتن و یا اسب سواری نبود و بنابراین با ارابه جابه جا می‌شد. ... امیر ناقاتای، پدر همسر دوم سلطان را نیز در همین وضع مشاهده کردم و این بیماری در میان مغولان شیوع پیدا کرده است."



نقرس رنج می‌برد؛ او همچنین به طرز بسیار عجیب و غریبی چاق شد. باوجوداین، وی به عنوان یک فرمانروای مغول عمری طولانی داشت (۱۲۹۴-۱۲۱۵).<sup>۱</sup> پرخوری را تنها نمی‌توان به مردان مغول نسبت داد. از دید روبروک، زنان مغول به‌طور حیرت‌آوری چاق بودند.<sup>۲</sup> اگر چه نمی‌توان بیماری‌های قلبی - عروقی را منوط به تشخیص دانست، اما به همان اندازه گمان آن‌ها نیز می‌رفت.

نوشیدن بسیار زیاد به نوبه خود اغلب موجب اعتیاد به مشروبات الکلی می‌شود. مغولان از ابتدا به این موضوع پی بردند، اما قادر به ترک آن نبودند و حتی هشدارهایی را بیان می‌کردند و چنگیزخان را به عنوان مثال ذکر می‌نمودند. چنگیزخان به‌صورت کنترل شده می‌نوشید و از آشفتگی دماغی ناراضی بود. وی از علائم و پیامدهای زیاده روی در نوشیدن مشروبات الکلی و میگساری آگاه بود: از بین رفتن حس‌ها، عدم توانایی در کنترل جسم، آشفتگی ذهن و اعتیاد که منجر به ضعف می‌شود. وی سعی کرد که برای زیاده روی در نوشیدن محدودیت‌هایی ایجاد کند: سه بار در ماه میگساری کند، ترجیحاً تعداد دفعات کمتر و اگر نوشد بهتر است.<sup>۳</sup> اما رسم مستی را یک وضع افتخار آمیز دانسته و در دسترس بودن مشروبات الکلی قوی منجر به افزایش عادت نوشیدن با مقدار زیاد در مغولان می‌شد که این امر به نوبه خود سبب شد که بسیاری از فرمانروایان مغول تا زمان مرگ همچنان از مشروبات الکلی استفاده کنند.

اوکتای (۱۲۴۱-۱۲۲۹)، جانشین چنگیز خان، به‌طور مکرر و در حجم زیاد از مشروبات الکلی استفاده می‌کرد و سرانجام بر اثر افراط در نوشیدن درگذشت. علی‌رغم تلاش‌های جغتای برادر اوکتای که «امیری را گماشته بود... برای بازداشتن اوکتای از نوشیدن بیش از تعداد خاصی پیاله شراب... اما اوکتای عادت داشت که در پیاله‌های بزرگ بنوشد، بنابراین با ثابت ماندن تعداد پیاله‌ها، مقدار نوشیدنی افزایش می‌یافت».<sup>۴</sup> گیوک خان، جانشین اوکتای، نیز در نوشیدن افراط می‌ورزید که این امر سبب ضعیف شدن بنیه و در نتیجه مرگ زود هنگام و حکومت کوتاه مدت (۱۲۴۸-۱۲۴۶) وی شد (احتمالاً

1. Rossabi, *Khubilai Khan: His Life and Times*, 227.

2. Rubruck, 103.

منبع زیرتصویری از چهره زن قوبیلای، چابوی (Chabui)، را به‌طور واضح بسیار چاق نشان داده است که این موضوع گفته‌های روبروک را تأیید می‌کند:

Fong and Watt, *Possessing the Past*, 265, pl 137.

3. Ratchnevsky, *Genghis Khan: His Life and Legacy*, 192;

و ذکر شده در منابع زیر:

Yuan-shi, 118, 10b; and Rashid al-Din, *Sbornik Letopisei, Russian translation of the Jamial-Tawarikh*, 47.

4. Rashid al-Din, *Successors*, 65.

در زمان نجات اروپا از حمله دوم مغول). اباقا، فرمانروای خاورمیانه در سال‌های ۱۲۶۵ تا ۱۲۸۲ بر اثر جنون الکلی درگذشت و اولجایتو، یکی از جانشینان بعدی وی (۱۳۱۸-۱۳۰۴) در سن ۳۵ سالگی بر اثر «اختلالات گوارشی ناشی از عادت‌های زیاده روی در نوشیدن که در میان همه شاهزادگان مغول شایع بود، از دنیا رفت».<sup>۱</sup>

به‌طور کلی زیاده روی و افراط آشکار در نوشیدن را نیز می‌توان دلیل کاهش عمر حکومت این سلسله دانست. چنگیزخان و دو پسر وی در طول قرن سیزدهم عمر نسبتاً طولانی داشتند: چنگیزخان حداقل ۶۰ سال (شاید پس از اجبار به خوردن سبزیجات در کودکی به گیاه خواری روی آورده بود)، جغتای حدود ۵۷ سال و اوکتای علی رغم نوشیدن ۵۵ سال عمر کردند. با این وجود تنها تولی در حدود ۴۲ سالگی از دنیا رفت.<sup>۲</sup> از پسران تنی تولی خان که به مرگ طبیعی از دنیا رفتند (منگوقاآن در میدان نبرد به شدت بیمار شد و اریق بوکای به آسانی در شرایط بد سیاسی درگذشت)، همان‌طور که ذکر شد قوبیلای ۷۸ سال عمر کرد اما هلاکو، بنیان‌گذار دودمان فرمانروایی خاورمیانه در ۴۸ سالگی دارفانی را وداع گفت.<sup>۳</sup> اکثر فرمانروایان بعدی خاورمیانه حتی به سن هلاکو خان هم عمر نکردند. اباقا نیز در ۴۸ سالگی درگذشت.<sup>۴</sup> ارغون، سومین جانشین هلاکو خان ظاهراً در اوایل دهه سوم عمر خود از ضعف جسمی رنج می‌برده و در دراز مدت از داروهای ساخته شده از گوگرد و جیوه استفاده می‌کرده است و در نتیجه دیری نگذشت که از دنیا رفت.<sup>۵</sup> غازان فقط ۳۲ سال، اولجایتو ۳۵ و ابوسعید، آخرین فرمانروای حقیقی خاورمیانه ۳۰ سال عمر کردند.<sup>۶</sup> جانشینان قوبیلای نیز همین گونه زود صحنه زندگی را ترک گفتند. تیمور در ۴۲ سالگی، قانشان در سن ۳۱ سالگی، آیاباروادا بویان تو و یوسون

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1. Boyle, "Dynastic and Political History of the Il-Khans", *The Cambridge History of Iran, vol. ۷: The Saljuq Mongols Periods*, 406.

2. Rossabi, 8.

3. Boyle, "Il-Khans", 354.

4. Lambton, 251.

5. Boyle, "Il-Khans", 371-372.

6. Boyle, "Il-Khans", 396; Ghazan, 406, 412; Abu Said. Cf. Lambton, 251-252.

کسانی که بر اثر مرگ‌های غیرطبیعی درگذشتند (احمد گیخاتو و بایدو) و ارغون که بوسیله استفاده طولانی مدت از دارو (حاوی گوگرد و جیوه) درگذشت؛ ابوسعید را نیز می‌توان در نظر گرفت، اگرچه شایعه شده بود که وی بر اثر مسموم شدن با زهر از دنیا رفته است.

تیمور در ۳۵ سالگی، توق تیمور در زمان ۲۸ سالگی، ایرینجیبال قوتوق تو در ۷ سالگی و توغان تیمور در حدود ۵۰ سالگی از دنیا رفتند.<sup>۱</sup>

اعتیاد به مشروبات الکلی در مردان و بسیار نوشیدن در زنان مغول، باروری و طول عمر را در آنها به خطر انداخت. عمر طولانی قویلی (۷۸ سال) موجب زاد و ولد وی شده است. همان‌طور که ذکر شد، وی ۴۷ پسر (و احتمالاً به همان تعداد دختر) از ۴ همسر و تعداد زیادی از زنان صیغه خود داشته است. هلاکوز ۵ زن و تعدادی از زنان صیغه خود، ۲۱ فرزند داشت. اباقا از ۱۵ همسر خود، صاحب ۹ بچه شد. ارغون از بیش از ۹ زن خود صاحب ۸ فرزند بود که یکی از آنها در کودکی درگذشت. غازان از ۷ همسر فقط ۲ فرزند داشت که یکی از آنها در نوزادی درگذشت. اولجایتو ۱۲ زن داشته که ۳ تای آنها فرزند نداشتند و از ۹ فرزند خویش، ۶ نفر از آنها در نوزادی درگذشتند. ابوسعید از دو همسر خود تنها یک فرزند داشته که پس از مرگ وی بدنیا آمد.<sup>۲</sup> با توجه به آنچه که در مورد بیماری اعتیاد به مشروبات الکلی در جنین و کاهش باروری در مردان بر اثر نوشیدن بسیار گفته شد، می‌توان این نوشته غیر مؤثر را درک کرد.

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد، نتیجه عمر کوتاه، حکومت کوتاه مدت بود. از آنجایی که ساکنان قبیله‌های آسیای مرکزی قوانین و اصول محکمی برای نظارت بر انتقال قدرت و مقام اصلی نداشتند، حکومت‌های کوتاه مدت به نوبه خود موجب جانشینی‌های مکرر و اغلب مختل کننده می‌شدند. چنگیزخان اصرار داشت که باید در مجمع رهبری (قوریل‌تای) به مسئله جانشینی رسیدگی شود، اما حتی حکم وی برای مدت زمانی طولانی پایدار نماند. پس از مرگ منگوقاآن در سال ۱۲۵۹، زمانی که مغولان به‌طور واضح تمامی مخالفان خود را می‌شناختند و فشار کمتری برای همبستگی و اتحاد احساس می‌کردند، شاهزادگان مغول بیش از پیش به مجبور کردن یا تهدید نیروی ادعا کننده ریاست متوسل شدند که این رقابت مسلحانه به بن بست نظامی و فروپاشی سیاسی انجامید. ناباروری در

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد سن مرگ آنها به استثنای ایرینجیبال نگاه کنید:

R. Grousset, *The Empire of the Steppes. A History of Central Asia*, 320- 321.

گروسه معتقد است که طول عمر آنها بر اثر زیاده روی خوشگذرانه کاهش یافته است. در مورد سن ایرینجیبال رجوع کنید:

Howorth, *History of the Mongols, Part I*, 310.

(سن‌های ذکر شده توسط هوارث در برخی موارد با سن‌های ذکر شده توسط گروسه تفاوت دارد (معمولاً فقط یکسال)) شیدبالا گگن و قوشیلا که به قتل رسیدند را ذکر نکرده‌اند.

2. Lambton, 295- 296.

دودمان خاورمیانه، سبب انقراض سلسله شد. پس از مرگ ابوسعید، هیچ نواده خوشنامی از هلاکو خان را، بجز خواهر وی، ساتی بیگ که حکومت مختصرش موفقیت آمیز نبود، برای جانشینی وی نمی توان یافت. دیگر دست نشانده های ناموفق عبارت اند از ۴ نفری که نسبت نزدیکی با آنها نداشتند، یکی خویشاوند دور هلاکو خان، دیگری از نسب جوچی قسار برادر چنگیز خان، یک فرد ناشناخته با نام بزرگ و باشکوه ایرانی «انوشیروان» و سرانجام، غازان دوم که فقط از طریق چند سکه شناخته شده و اطلاعاتی از او باقی نیست.<sup>۱</sup> تمامی این پادشاهان موقتی، دست نشانده های امرای مغولی بودند که قلمرو خاورمیانه را بین خود تقسیم کردند.

اگر نوادگان چنگیز وقت کمتری را صرف خوردن و میگساری می کردند، می توانستند زمان بیشتری بر تاج و تخت حکومت باقی بمانند و دولتی پایدارتر، تواناتر و حتی وسیع و گسترده تر داشته باشند. اما عیاشی و لذت بردن از خوشی های به دست آمده از امپراطوری وسیعی که به تصرف خود درآورده بودند، موجب شد که حتی اصلی ترین هدف آنها یعنی فتح جهان، همان طور که هدف صحرانشینان آسیای مرکزی در هزاره قبل از به حکومت رسیدن چنگیز خان بود، یک بار دیگر تنها موضوع لاف زنی های زمان مستی آنها شود.<sup>۲</sup>



۱. برای دستیابی به شرح مختصری از اکثر آخرین فرمانروایان ایلخانی رجوع کنید:

Boyle, "Il Khans", 413-416.

«غازان دوم»، کشف سکه شناسی منتشر نشده از آلبوم استفان ([album@sonic.net](mailto:album@sonic.net)): یک سکه دینار طلایی غازان دوم نگهداری شده در تبریز که به سال ۷۵۷ هجری برمی گردد در منبع زیر منتشر و به تصویر کشیده شد:

Spink and Son, *Auction 27: Coins of the Islamic World*, lot 360.

۲. هون ها و ترک های اورخون از الفاظ و معانی بدیع فتح جهان استفاده کردند؛ رجوع کنید:

Gordon, *The Age of Attila*, 59, 93.

Tekin, *A Grammar of Orkhon Turkic*, 261, 263, 268 and passim.

## منابع و مأخذ

- Boyle, J. A. Dynastic and Political History of the Il- Khans, The Cambridge History of Iran, vol. v: The Saljuq Mongols Periods, Cambridge: Cambridge UP, 1968.
- Buell, P. Mongol Empire and Turkicization: The Evidence of Food and Food ways, in The Mongol Empire and Its Legacy, eds. R. Amitai- Press and D. O. Morgan Leiden, Brill, 1999.
- Buell, P. «Pleasing the Palate of the Qan: Changing Food Ways of the Imperial Mongols», Mongolian Studies XIII 1990.
- Carpini, John of Plano. History of the Mongol, in the Mongol Mission, ed. Christopher Dawson, London, sheed and Ward, 1955.
- Chih- Chang Li, Travels of an Alchemist, trans. A. Waley, New York, AMS Press, 1979.
- Dahl, G, and Hjort, A, Having Herds, Stockholm, 1976.
- Epstein, H, Domestic Animals of China, Farnham Royal, 1969.
- Fong, W. C and Watt, J. C. Y, Possessing the Past, New York, Metropolitan Museum of Art, and Taipei: National Palace Museum; Abrams distrib, 1996.
- Gordon, C. D, The Age of Attila, Ann Arbor, Michigan UP, 1966.
- Grousset, R, The Empire of the Steppes: A History of Central Asia, New Brunswick, Rutgers UP, 1970.
- Howorth, H. H, History of the Mongols, Part I, London, Longmans, Green, 1876; rpt Taipei: Cheng Wen, 1970.
- Ibn Battuta, The Travels of Ibn Battuta, trans. H. A. R. Gibb, Cambridge, Cambridge UP, 1962.
- Jackson, P, The Mission of Friar William of Rubruck, eds. P. Jackson and Morgan, London, Hakluyt Society, 1990.
- Juvaini, The History of the World- Conqueror, trans. J. A. Boyle, vol. 2, Cambridge, Cambridge UP, 1958.
- Kon, S.K, Milk and Milk Products in Human Nutrition, 2<sup>nd</sup> rev. ed. Rome: FAO, UN, 1972.
- Krder, L, Ecology of Central Asian Pastoralism, Southwestern Journal of Anthropology, 11/4, 1955.
- Tekin, T, A Grammar of Orkhon Turkic, vol 69, Bloomington, Indiana University Uralic and Altaic Series, 1968.
- Lambton, A.K.S, Continuity and Change in Medieval Persia, Albany, State University of New York Press for Bibliotheca Persica of the Persian Heritage Foundation, 1988.
- Lopez, R. S and Smith, J. M and Raymond. W, in Medieval Trade in the Mediterranean World, New York, 1955, 353 n. 43.
- Marco Polo, The Travels of Marco Polo, trans. R. Latham, Harmondsworth: Penguin, 1958.

- Martin- Rosiest, W. et al, Rodement et composition des carcasses du poulain de boucherie , Bulletin Technique, Centre des Recherches Zootechniques et Veterinaires de thelix 41,Beaumont, 1980.
- (no author) Nutrient Requirements of Domestic Animal, Number 8: Nutrient Requirements of Dogs, Washington, National Academy of Sciences, 1974.
- Ovdienko, I. kh, Economic- Geographical Sketch of the Mongolian Peoples Republic , Blomington, Mongolia Society Occasional Papers, No. 3, 1965.
- Pegoloti, Francesco. Balducci, La Partica della Mercatura, ed. Allan Evans, Cambridge, MA: Mediaeval Academy of America, 1936.
- Rashid al- Din, Sbornik Letopisei, Russian translation of the Jamial- Tawarikh/ Collected Chronicles by Yu. P. Verkhovski, vol. II\*Moscow- Leningrad, 1960.
- Rashid al- Din, The Successors of Genghis Khan, trans. J.A. Boyle,New York, Columbia UP, 1971.
- Ratchnevsky, P, Genghis Khan: His Life and Legacy,Oxford, Blackwell, 1991.
- Rossabi, M, Khubilai Khan: His Life and Times,Berkeley, University of California Press, 1988.
- Smith, J. M, Mongol Manpower and Persian Population ,Journal of the Economic and Social History of the Orient 18, 1975.
- Smith, J. M, Mongol Campaign Rations: Milk, Marmots, and Blood? in Turks, Hungarians and Kipchaks: A Festschrift in Honor of Tibor Ha Iasi- Kun, vol. 8 of the Journal of Turkish Studies, 1984.
- Spink and Son, Auction 27: Coins of the Islamic World, 1988.
- The Secret History of the Mongols, section, 74. 90. 226. 232
- Vreeland, H. H, *Mongol Community and Kinship Structure*, 3<sup>rd</sup> ed, New Haven, HRAF Press.